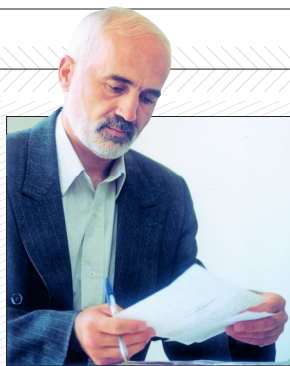


همشهری‌ای

ما

ساده زیستی، ویژگی منحصر به فرد دکتر توکلی



و شغل خانواده و فرزندان دکتر توکلی هیچ کدام سفارش شده ایشان نیست. در این زمینه خاطر ماست داماد سابقم زهیر که حق التدریس آموزش و پرورش بود، نیاز به یک سفارش پدر برای حل مشکلات داشت، اما دکتر هرگز از جایگاه شغلی خود برای این سفارش استفاده نکرد. او اضافه می‌کند: «حتی در خصوص حمایت‌های مالی از فرزندان هم چون ایشان خودشان ساده‌زیست بودند، این سبک زندگی را به آنها هم توصیه می‌کردند. شاید من خودم اینطور نباشم، اما دکتر از این نظر منحصر به فرد بود و همچنان با گذشت سال‌ها بر سر عقاید خود محکم ایستاده بود.»

«بسیاری از افراد در زمانه دچار پستی و بلندی می‌شوند ولی او همچنان با صداقت و امانتداری سسر جای خودش بود.» صادق زیبا کلام می‌گوید: «نکته مهم تر اینکه معمولاً کسانی که مقام و منصبی دارند از جایگاه شغلی خود برای ارتقای اطرافیان از جمله فرزندان و عروس و دامادهای خود استفاده می‌کنند.»

اما شاید باور نکنید که آقای توکلی هیچ‌گاه از این جایگاه خود برای آنها استفاده نکرد. او فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کرده بود که خودشان بدون رانت پدر به جایگاه و شغل مناسب برسند. من به جرأت می‌توانم بگویم جایگاه

پایداری بود. از این آشنایی، من و دکتر هیچ اطلاعی نداشتیم، اما وقتی موضوع ازدواج پیش آمد مخالفتی هم نکردیم.

وصلت دو خانواده از دو جناح مقابل هم، عجیب نیست؟

بله از نظر سیاسی من و دکتر در دو جناح مخالف هم بودیم. من سال ۸۳ کاملاً در جبهه اصلاحات بودم و مرتب در روزنامه‌های دوم‌خردادی مطلب می‌نوشتیم. ایشان هم به‌عنوان یک چهره شاخص در جریانی بودند که به‌عنوان اصولگرا شناخته می‌شدند. اما همان زمان هم اعلام کردیم اختلافات سیاسی و دوستی هیچ ارتباطی به این ازدواج ندارد. کما اینکه در حال حاضر به دلیل تفاوت در سبک زندگی دختر و دامادم، این دو از هم جدا شدند، اما دوستی ما با این خانواده همچنان برقرار است.

پس شما هنوز هم با این خانواده بعد از جدایی دخترتان رفت‌وآمد دارید؟

بله البته! مرتب اعیاد ملی و مذهبی به ایشان زنگ می‌زدم و ضمن تبریک و جویای حال ایشان می‌شدم. دو بار کسالت داشتند و بر خود واجب دانستم که به ملاقات‌شان بروم. ارادت و دوستی من به ایشان پابرجا بود.

چون رفت‌وآمد خانوادگی با ایشان داشتید، اگر خاطرهای در این زمینه دارید برایمان تعریف کنید.

تقریباً سال ۸۷ بود که در مراسم شیرینی‌خوران دختر دکتر شرکت کرده بودم و برای من جالب بود که برای خانه خودشان غذا پخته بودند. همسر ایشان با وجود اینکه همسر یک مسئول بودند خودشان پای دیگ غذا ایستاده بودند و برای تعداد زیادی مهمان غذا آماده می‌کردند. بی‌شک شرایط مالی خرید غذا از رستوران را داشتند، اما سبک زندگی ساده‌زیستی و قناعت این خانواده این چنین است.

از همسر دکتر یاد کردید؛ اگر از ایشان هم خاطرهای دارید تعریف می‌کنید؟

همسر دکتر توکلی به معنای واقعی کلمه یک فرشته هستند. حتی من به دخترم سارا در هنگام وصلت با این خانواده تأکید کردم که اگر شما با هر کسی در این خانواده به اختلاف افتادی من صحبت می‌کنم اما اگر با این خانم اختلاف پیدا کنی من بی‌پرو برگشت حق را به ایشان خواهم داد چون ایشان خانم بسیار محترم و فهمیده و در واقع یک فرشته هستند. قطعاً خانواده قدر ایشان را می‌دانند و دعا می‌کنم ان‌شاءالله سلامت باشند.

نکته‌ای هست که در پایان بخواهید به آن اشاره کنید؟

همانطور که می‌دانید دکتر توکلی اقتصاددان بودند و تحصیلات آکادمیک و تجربه بالا در این زمینه داشتند. ایشان وقتی احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور شدند پیرو حمایت اصولگرایان از او مجبور بودند تقریباً ۷،۶ سالی به‌عنوان رئیس‌جمهور او را حمایت کنند و این برای ایشان بسیار سخت بود. ایشان منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی‌نژاد بود و من شخصاً دیدم که چطور از نظر روحی و فیزیکی شکسته شدند. اغراق نکرده‌ام اگر بگویم در این دوره کمرشان خم شد.



گفت‌وگو

خاطرات خواندنی صادق زیبا کلام

درباره رفیق قدیمی و اصولگرای خود دکتر احمد توکلی

هرگز از رانت استفاده نکرد حتی برای فرزندان



الناز عباسیان برای شناخت بهتر یک فرد اغلب سراغ دوستان او می‌روند. حالا اگر میان دوستانش، افرادی باشند که در حیطه کاری به نوعی رقیب یا جبهه مقابل محسوب شوند، ماجرا جالب‌تر و روایت شنیدنی‌تر می‌شود؛ مثل روایت‌هایی که دکتر صادق زیبا کلام، استاد علوم سیاسی با گرایش اصلاح‌طلبی از رفیق قدیمی و اصولگرای خود احمد توکلی دارد. خواندن این روایت‌ها خالی از لطف نیست.

در همین سؤال نخست برایمان تعریف کنید با دکتر کجا و کی آشنا شدید؟

آشنایی ما با ایشان به سال ۵۳، زندان قصر و روزهای قبل از انقلاب برمی‌گردد. یک سال و نیم با هم همبند بودیم. از همان زمان ایشان بسیار فرد متدینی بوده و روی اعتقادات خود تعصب داشتند. خاطر ماست در سالن زندان وقتی برنامه تلویزیونی با محتوای ساز و آهنگ پخش می‌شد، از سالن بیرون می‌آمد تا آن صدا را نشنود.

حتی دیگران از ایشان تعریف کرده بودند قبل از بازداشت توسط ساواک دانشجوی رشته مهندسی برق و الکترونیک در دانشگاه شیراز بودند و برای رفت‌وآمد به دانشگاه از شمال و تهران با اتوبوس رفت‌وآمد می‌کردند. آن زمان هم به پخش موسیقی در اتوبوس اعتراض می‌کردند. حتی در زندان دوره‌های عرفانی و حوزوی در کنار دو فرد مذهبی گذرانده بودند.

برگردیم به بعد از پیروزی انقلاب؛ در این

دوره ارتباطتان با دکتر چگونه بود؟ بعد از انقلاب تا سال ۶۷ ارتباط زیادی با ایشان نداشتیم زیرا من سال ۶۳ برای تحصیل در مقطع دکتری به انگلیس رفته بودم. وقتی برگشتم ایشان در روزنامه مشغول فعالیت بودند. به دیدارش رفتم و همان زمان از اوضاع و احوال جامعه و مشکلات گلیه کردم. ایشان هم قبول داشتند نارسایی‌ها و مشکلاتی وجود دارد، اما قرص و محکم از تمامیت نظام دفاع کردند.

شما البته جز ارتباط کاری و دوستی، یک وصلت خانوادگی هم با دکتر توکلی داشته‌اید؛ دوستی شما واسطه آشنایی دخترتان با پسر دکتر شد؟

حدود سال ۸۳ بود که دخترم سارا به خاطر تسلط خوبش به زبان انگلیسی در روزنامه همشهری برای ترجمه گزارش‌های اجتماعی جذب شد. همان جا اتفاقی با زهیر پسر دکتر آشنا شد. زهیر مسئول صفحه

مر تزی نبوی
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و
مدیر مسئول پیشین روزنامه رسالت:

احمدآقا، مجاهدی خستگی‌ناپذیر بود



سال‌هاست آقای توکلی را می‌شناختم. رفت‌وآمد خانوادگی هم داشتیم. همسرشان بسیار ساده‌زیست هستند و دنبال این نبوده‌اند که از موقعیت‌ها و مناصب آقای توکلی استفاده کنند تا وضعیت زندگی‌شان را به سمت رفاه بکشانند. بسیار فداکار هستند و در هر جایی که ضرورت ایجاد می‌کرده که آقای دکتر توکلی حضور داشته باشند، ایشان هم برای اهداف انقلاب همراهی کرده‌اند. من برای داشتن دوستان خوبی مثل دکتر احمد توکلی خدا را شاکرم. ایشان از نیروهای فعال در دوران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب هم جزو انسان‌های خستگی‌ناپذیر بودند.

دغدغه اسلام و فقهت را داشتند

از ویژگی‌های بسیار بارز آقای توکلی، تعلق خاطرشان به اسلام فقهاتی بود. از همان اوایل انقلاب به‌ویژه در دولت اول آقای موسوی، دغدغه اسلام و فقهت را داشتند و با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عزیزی مثل آقای آذری قمی، آیت‌الله راستی و آقای خزعلی در ارتباط بودند. آقای توکلی در تاسیس روزنامه رسالت نقش داشتند و به اتفاق ۴ تن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و تعدادی از پیشکسوتان انقلاب مثل جناب مرحوم پرورش، مرحوم عسگر اولادی و بعضی دیگر از دوستان که من هم در خدمتشان بودم، روزنامه رسالت تاسیس شد.

نقد مواضع اقتصادی دولت

این روزنامه بسیار فعال بود و مواضع اقتصادی دولت میر حسین موسوی را نقد می‌کرد. در تمام این سال‌ها سراسر زندگی‌شان با کار و تلاش همراه بود. خیلی هم با صراحت لهجه مواضع و نظراتشان را بیان می‌کردند و از شجاعت خاصی برخوردار بودند. نگران نقدهای منتقدین هم نبودند. با همین وضعیت کسالتی که داشتند هم تلاش می‌کردند که مواضع خودشان را با هدف کشف و مبارزه با فساد و جلوگیری از فساد در کشور مطرح کنند. امیدوارم که خداوند اجر مجاهدین در راه خودش را به آقای توکلی عطا کند.